



گزارش

سهیلانوری خیزنگار

ماجرای کتابخانه فاطمه‌ها با گذشت ۱۴ سال هنوز هم نقل محفل اهالی روستای دهکهان کرمان است. کتابخانه کوچکی که انبار گاه بود و فاطمه شجاعی، فاطمه میرشکاری و فاطمه جعفری آن را به یک کتابخانه پر جنب و جوش تبدیل کردند. ظهر تابستان داغ درحالی که فقط ۱۰ سال داشتند کیف‌های پیراز کتاب بردوش می‌گرفتند و سرخوش و امیدوارعرض کوجهای خاکی روستا را بالا و پایین می‌کردند. در کتابخانه برای بچه‌های دوستداران محله نامداران، قائم‌آباد و مرکزی کتاب‌های جدید می‌پردند و مقابل هر خانه کودکی منتظر آنها بود تا کیف پیراز کتاب را از آنها بگیرد. ادامه این مسیر باعث شد تا جندی بعد «یونسکو» روستای دهکهان را به دلیل وجود این کتابخانه فعال به‌عنوان روستای دوستدار کتاب انتخاب کند.

با گذر زمان علاقه به کتاب و کتابخوانی در روستای دهکهان که حالا به شهری در بخش مرکزی شهرستان کهنوج استان کرمان تبدیل شده نه تنها رنگ نباحث که حالا کتابخانه فاطمه‌ها با بیش از ۹ هزار جلد کتاب، میزبان دخترها و پسرهایی است که کتابخوان‌هایی حرفه‌ای شده‌اند و دوره‌می می‌گیرند تا برای هم از کتاب‌های تازه‌ای بگویند که آنها را به سرزمین واژه‌ها برده است. در روز کتاب و کتابخوانی، گفتن از این کتابخانه خوش‌رنگ و لعاب و گفت‌وگو با «زکيه ميرشکاری» بانوی جوانی که این روزها کتابخانه فاطمه‌ها به لطف خلاقیت و متفاوت‌تر از همیشه شده جذاب است.

او یکی از آن ۴ دختری است که تابستان ۱۴ سال پیش از کله سحر تا رُل آفتاب، با پای پیاده در محله‌های مختلف روستای دهکهان، خانه به خانه می‌رفت و بچه‌ها را به دل داستان‌های کتاب می‌برد. از او می‌پرسم اعجاز کتاب که از طریق آن بچه‌های روستا را به خواندن علاقه‌مند کردی یا زندگی خودت چه کرده؟ با تله‌لیجه کرمانی جواب می‌دهد: اگر کتابخانه فاطمه‌ها نبود و من با کتاب آشنا نمی‌شدم الان دختر بتری سواد



کوچکترین کتابخانه ایران حالا بیش از ۹ هزار جلد کتاب دارد

عکس: ایران



کتاب هدیه آوردند و داستان‌های شنیدنی خواندند. اصلاً چرا راه دور بروم؛ به زبان ساده بگویم کتاب به ما یاد داد از گوشه گوشه دهکهان لذت ببریم، از گفت‌وگو با آدم‌های جدید استقبال کنیم، خلاق باشیم و زندگی را دوست بداریم.

کتاب هدیه آوردند و داستان‌های شنیدنی خواندند. اصلاً چرا راه دور بروم؛ به زبان ساده بگویم کتاب به ما یاد داد از گوشه گوشه دهکهان لذت ببریم، از گفت‌وگو با آدم‌های جدید استقبال کنیم، خلاق باشیم و زندگی را دوست بداریم.

باغچه بُنْتال

«همه خانه‌های دهکهان یک تنور دارد. یک روز به سرم زد داستان تنور مادر را بنویسم اما در نهایت این داستان به کمک ۲۰ نفر از اعضای کتابخانه تکمیل شد. از آنها خواستم با تداعی تنور مادرشان، داستان من را تکمیل کنند و به این ترتیب داستان ۲۰ تنور دهکهان را نوشتیم که تجربه بسیار متفاوت و دلچسپی شد.»

کتاب هدیه آوردند و داستان‌های شنیدنی خواندند. اصلاً چرا راه دور بروم؛ به زبان ساده بگویم کتاب به ما یاد داد از گوشه گوشه دهکهان لذت ببریم، از گفت‌وگو با آدم‌های جدید استقبال کنیم، خلاق باشیم و زندگی را دوست بداریم.

و سایر باغچه‌های محبوب پذیرایی می‌شود. مصطفی رحماندوست که به دهکهان آمد شعر صد دانه باقوت را زیر درخت انار باغچه بُنْتال برای دوستداران کتاب خواند و با استقبال پرشوری هم مواجه شد.



یک سال بعد کوچکترین کتابخانه

ایران، از

طریق رسانه‌ها شناخته شد و مورد استقبال یونسکو قرار گرفت. پس از آن هم بسیاری از اهالی کتاب به دهکهان آمدند و از طریق رسانه‌ها شناخته شد و مورد استقبال یونسکو قرار گرفت. پس از آن هم بسیاری از اهالی کتاب به دهکهان آمدند و از طریق رسانه‌ها شناخته شد و مورد استقبال یونسکو قرار گرفت.

«اولین کتابی که خواندم شانزده کوچولو بود. این کتاب ذهن من را به‌عنوان یک دختر روستایی که از امکانات شهری دور بودم به پرواز در آورد. کم‌کم با کامپیوتر قدیمی که در کتابخانه بود از طریق گوگل کتاب‌هایی را پیدا کردم که مناسب سن من بود. سریع می‌دیدم سمت دیگر سرزاز یا نمی‌شناختم و تا کتاب را تمام نمی‌کردم آرام و قرار نداشتم.»

زکيه که تا قبل از آزمون کنکور بیشتر از ۵۰۰ عنوان کتاب خوانده بود، دیگر کمیت کتاب‌ها برایش مهم نبوده، بلکه کیفیت کتابی که می‌خواند اولویت دارد. او که به تازگی کتاب «گلبد» بلندترین اثر محمود دولت‌آبادی را تمام کرده و این روزها «اثر مرکب» نوشته دارن هاردی را می‌خواند، می‌گوید: «با این کتاب راه و رسم موفقیت را به سبکی متفاوت یاد می‌گیرم مثل همه کتاب‌هایی که تا امروز خواندم و با هر چالش و فراز و فرودی یاد شخصیت یکی از داستان‌ها اقدام و شبیه کسی که یک نقشه راه در دست دارد، مسیرهای پرچالش را با آسیب کمتری پشت سر گذاشتم.»

زکيه با نیم‌نگاهی به همین نقشه راه، در سال‌های اخیر بخش‌های مختلفی را به کتابخانه فاطمه‌ها اضافه کرد: بچه‌های دهکهان و حتی روستاهای اطراف از موسیقی تا کار با چوب و خواندن کتاب‌های خارجی را در این کتابخانه یاد می‌گیرند و در کلاس‌های میهمان‌محور که همچنان بازار داغ است شرکت می‌کنند.

معجزه کتاب

تابستان سال ۱۳۸۹ معلم جوان دهکهان تصمیم گرفت با پایان تدریس، آموزش را تمام نکند. با ۴۰ جلد کتاب از قفسه کتاب‌هایش، از ۳ تا ۴ روستا را که انبار گاه بود به یک کتابخانه تبدیل کرد. لب‌تابی که ماهانه



به گفته این معلم امروز ۳ روستای اطراف کهنوج که شرایط اقتصادی و فرهنگی چندان خوبی ندارند در صف انتظار تجهیز کتابخانه هستند و به محض پیدا شدن نخستین حاسی کتابخانه این روستاها تجهیز می‌شود، با این احوال او باور دارد کتاب در تاریخ‌ترین لحظه‌ها معجزه می‌کند و امید دارد خیلی زود معجزه کتاب به تمام روستاهای ایران لبخند بزند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

Two 15x15 grids for crossword puzzles. The left grid is for 'جدول عادی' and the right grid is for 'جدول ویژه'. Each grid has numbers in the top-left corners indicating starting positions for words.

Two 15x15 grids for crossword puzzles. The left grid is for 'جدول ویژه شماره ۸۶۴' and the right grid is for 'جدول عادی شماره ۸۶۴'. Each grid has numbers in the top-left corners indicating starting positions for words.

جدول سودوکو

Two 9x9 grids for Sudoku puzzles. The left grid is for 'متوسط' (Medium) and the right grid is for 'آسان' (Easy). Each grid has numbers in some cells to provide clues.

Two 9x9 grids for Sudoku puzzles. The left grid is for 'خیلی سخت' (Very Hard) and the right grid is for 'سخت' (Hard). Each grid has numbers in some cells to provide clues.

Two 15x15 grids for crossword puzzles. The left grid is for 'جدول ویژه شماره ۱۴۳۴' and the right grid is for 'جدول عادی شماره ۱۴۳۴'. Each grid has numbers in the top-left corners indicating starting positions for words.